

پیروزی دوم اسفند را تبریک می‌گوئیم!

امروز رژیم ضعیف تر و ما قوی‌تریم!

۸ مارس روز اعلام جنگ به جمهوری اسلامی!

زن، در زندگی و مرگ:

از فردریک وست تا آنتونی کندی

صفحه ۴

منصور حکمت

کرونا در ایران، چه باید کرد!

صفحه ۶

سیاوش دانشور

متحد و متشکل علیه فقر و دستمزد زیر خط فقر به میدان آییم!

کرونا و رژیم اسلامی سرمایه

به یاد نرجس خانعلی زاده

صفحه ۸

جاوید حکیمی

علیه حکم اعدام سه نفر از معترضین آبانماه اعتراض کنیم!

سمینار در کلن

اوضاع سیاسی ایران و

وظایف نیروهای چپ و کمونیست

مکرون راست می‌گوید:

'دموکراسی همین است!'

آذر ماجدی

سمینار در استکهلم

بزرگداشت روز جهانی زن

سمینار روز زن در لندن

جنبش زنان و تحولات اخیر ایران

اطلاعیه‌های مشترک در باره انتخابات و روز جهانی زن

۵۳۲

مستقلی، کمونیست

حزب کمونیست کارگری ایران - حکمتیست

Worker-communist Party of Iran - Hekmatist

۹ اسفند ۱۳۹۸ - ۲۸ فوریه ۲۰۲۰

اعلامیه حزب حکمتیست

اقدام همگانی علیه اپیدمی ویروس

کرونا فوری و حیاتی است!

سازمان بهداشت جهانی اعلام کرد: "کشورهای جهان باید برای مقابله با همه‌گیری جهانی احتمالی، اقدامات بیشتری انجام دهند. همه‌گیری جهانی زمانی است که یک بیماری همزمان در نقاط مختلف دنیا شیوع پیدا کند".

برای مردم ایران روشن است که جمهوری اسلامی بنا به مصالح سیاسی از جمله برگزاری راهپیمایی ۲۲ بهمن و نمایش انتخابات مجلس یازدهم، از ارائه اطلاعات در باره شیوع کرونا و دامنه آن آگاهانه خودداری کرد. مقامات وزارت بهداشت تا سران حکومت و دستگاه‌های ذربیط مثل همیشه به مردم دروغ گفتند، حقایق را پنهان کردند و با جان و سلامت شهروندان بازی کردند. امروز ویروس کرونا دامن افراد حکومتی را هم گرفته است و ناچارند کم و بیش از آن سخن بگویند. اما هنوز مخاطرات جدی مردم را تهدید میکند، پانیک و نگرانی شدید میان خانواده‌ها موج میزند. کارگران مراکز صنعتی در پارس جنوبی، هپکو و راه آهن اعتراض میکنند که کمترین امکانات بهداشتی در محیط کار و خوابگاهها در اختیارشان نیست و وعده ارائه بسته‌های بهداشتی محقق نشده است. برخوردهای ضد انسانی مسئولین در قبایل کسانی که بدلیل بیماری فوت

صفحه ۲

آزادی، برابری، حکومت کارگری!

آمدها و درجه‌ای از تعطیلی مراکزی که بالقوه منشا تهدید ابتلا به ویروس است کمک میکند. یک مانع اساسی اینکار میتواند ندادن حقوق و خطر اخراج و مسئله تامین هزینه‌های زندگی باشد. دولت موظف به پرداخت حقوق و تامین نیازهای پایه ای شهروندان در وضعیت بحرانی کنونی است. اوضاع ویژه اقدامات ویژه را طلب میکند. مسئولیت اساسی سلامت و حیات شهروندان با دولت است، جمهوری اسلامی در قبال وضعیت کنونی تماماً مسئول است.

۶- آزادی فوری کلیه زندانیان و مقابله با تهدید یک کشتار گسترده آنهم با شرایط وخیم زندانهای ایران باید به صدر خواستها رانده شود. نگهداری زندانیان میتواند به یک فاجعه تمام عیار مانند دهه شصت بدل شود.

۷- ضروری است لایه‌های مطلع تر و دلسوز در بخش درمانی و پزشکی برای مقابله با توصیه های غیر کارشناسانه و ارائه آخرین اطلاعات علمی به شهروندان احساس مسئولیت بیشتری از خود نشان دهند و در این اوضاع بداد مردم بیدفاع برسند. اطلاع رسانی در مورد سلامت شهروندان نباید با تعقیب امنیتی روبرو شود.

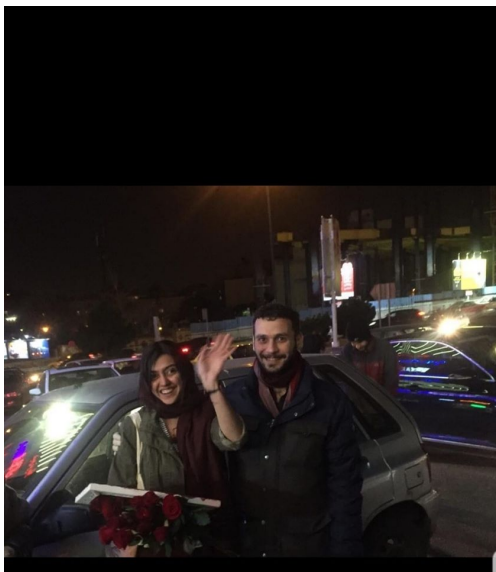
۸- باید با ترهاتی که آخوندها و صنعت دین و عناصر حکومتی در این اوضاع وخیم بجای ارائه اطلاعات علمی و خدمات واقعی پزشکی به مردم ارائه میدهند، قاطعانه مقابله کرد و ماهیت ضد انسانی و ضد اجتماعی آنرا بیش از پیش افشا کرد.

حزب کمونیست کارگری ایران- حکمتیست

۶ اسفند ۱۳۹۸ - ۲۵ فوریه ۲۰۲۰

* قرار بود روز سه شنبه ششم اسفند، هیئتی از سازمان جهانی بهداشت برای بررسی دامنه شیوع ویروس کرونا و توصیه‌های احتمالی به ایران سفر کند. عصر اینروز سخنگوی این سازمان بدون هیچ توضیحی اعلام کرد که این سفر لغو شده است.

آزادی موقت ندا ناجی پنجشنبه عصر



اقدام همگانی علیه اپیدمی ویروس

کرونا فوری و حیاتی است ...

کردند، نفرت انگیز است. دولت زیر فشار اعتراض دانشجویان و خانواده‌ها از اوائل هفته گذشته کلیه مدارس و دانشگاهها را تعطیل کرده است. همزمان نگرانی جدی در زندانهای ایران وجود دارد. خانواده های زندانیان سیاسی خواهان آزادی فوری زندانیان سیاسی شده اند. اخباری تائید نشده مبنی بر ورود ویروس کرونا به زندانها و درگذشت یک نفر در زندان تهران منتشر شده است. وضعیت لایه‌های محرومتر جامعه از حاشیه‌نشینان، بی‌مسکنان و کودکان کار خطرناک تر از همیشه است. بدتر از همه کمبود ماسک و وسائل بهداشتی، عدم پذیرش بیمارستانها و مال اندوزی عده ای سودجو از این طریق نیز مزید بر علت شده است.

این اوضاع مشخص نیازمند یک اقدام همگانی و یک همصدائی قدرتمند برای مقابله با اپیدمی کرونا است. حزب کمونیست کارگری - حکمتیست عمیقاً در نگرانی مردم ایران شریک است. ما میتوانیم این واقعه تلخ را با اعمال فشار به جمهوری اسلامی به تقویت همبستگی انسانی بدل کنیم. فراخوان ما اینست:

۱- اجتناب اکید از توصیه‌های غیر علمی و غیر کارشناسی و دنبال کردن توصیه‌های علمی و کارشناسانه سازمان بهداشت جهانی در حال حاضر باید مبنای عمل فردی و جمعی باشد.

۲- بخشهای هرچه وسیعتری از اقشار مختلف جامعه ضروری است در قبال این وضعیت واکنش نشان دهند. با نوشتن نامه و تاکید بر وظیفه فوری حکومت در قبال سلامت و بهداشت مردم در وضعیت ویژه و بحرانی کنونی، بر غیر کالائی کردن خدمات پزشکی و مقابله قاطع با هر نوع سواستفاده مالی تاکید کنند. دولت را باید موظف به ارائه رایگان خدمات پزشکی و وسائل ضروری پیشگیری و استاندارد کرد.

۳- تست مرتب شهروندان در مناطق و محلات و قرنطینه اماکنی که پتانسیل شیوع بیماری را دارند از وظایف بی پرو برگرد دولت است. لاقیدی دولت در قبال سلامت و جان شهروندان اقدام به قتل عمد است.

۴- گسترش سیستم خرید آنلاین و ایجاد مراکز محلی و منطقه ای برای رفع نیازهای اساسی مردم را باید بعنوان یک وظیفه فوری به دولت تحمیل کرد.

۵- نرفتن به کار بدلیل تهدید ابتلا به بیماری و فقدان امکانات بهداشتی اولیه، حداقل واکنش بلافاصل فردی و جمعی برای اعمال فشار به دولت است. سازمان کار جامعه در وضعیت ویژه کنونی باید در سطح حداقلی و اوژانسی باشد و منوط به تهیه امکانات ایمنی و بهداشتی از جانب دولت و کارفرماها گردد. این اقدام به لغو بسیاری از رفت و

مرگ بر جمهوری اسلامی!

۸ مارس روز اعلام جنگ به جمهوری اسلامی!

۸ مارس لرزه بر اندام رژیم می اندازد. زیرا بخوبی نقش و جایگاه جنبش آزادی زن را می شناسد؛ نفرت زنان را با پوست و گوشت لمس کرده است. زن ستیزی و آپارتاید جنسی یک رکن مهم ماهیت این نظام است و حجاب بیرق آن. مبارزه علیه این ارکان هستی و نیستی آنرا به مصاف می طلبد. باید از این حربه بخوبی استفاده کنیم. فعالین جنبش آزادی زن باید یک ۸ مارس رادیکال و رزمنده را تدارک ببینند و سازمان دهند. فعالین چپ و کمونیست و آزادیخواه و برابری طلب باید برای تدارک این روز آستین ها را بالا بزنند.

فراخوان ما اینست که چهل و یک سال پس از آن اعتراض وسیع و رادیکال و دو سال پس از آغاز خیزش توده ای برای سرنگونی جمهوری اسلامی، ۸ مارس را به یک روز بیاد ماندنی و تاریخی در حیات جمهوری اسلامی و در تاریخ مبارزات آزادیخواهانه و انقلابی جامعه بدل کنیم!

حزب کمونیست کارگری ایران - حکمتیست

۲۴ بهمن ۱۳۹۸ - ۱۳ فوریه ۲۰۲۰



جنبش آزادی زن طی چهل و یک سال اخیر یکی از دشمنان آشتی ناپذیر رژیم سرکوب اسلامی بوده است. چهل و یک سال نبرد با یک رژیم تا پوست و استخوان زن ستیز، قرون وسطایی و جنایتکار به این جنبش جایگاهی برجسته و مهم در معادلات سیاسی داده است. مسأله زن و جدال دائمی جنبش آزادی زن با رژیم اسلامی یک مسأله همیشه حاضر در عرصه سیاست جامعه است. یورش همیشگی به زنان برای تحمیل حجاب اسلامی، آپارتاید جنسی و بمنظور خانه نشین کردن زنان به یک رکن مهم سیاست سرکوب جمهوری اسلامی بدل شده است. اما علیرغم سرکوب خشن رژیم اسلامی موفق نشده است این جنبش را متلاشی کند و لذا برای مقابله با آن به ترفندهای سیاسی مختلف متوسل گشته است. این وظیفه به اصلاح طلبان حکومتی و بویژه فعالین زن این جریان سپرده شد. اما تلاشهای بیست ساله آنها نیز برای ایجاد دست انداز در مقابل پیشروی جنبش آزادی زن عملاً ناکام ماند.

طی دو سال اخیر که جنبش سرنگونی بوسعت کل جامعه به میدان آمده و مصافی تعیین کننده را به رژیم اسلامی تحمیل کرده است، جنبش آزادی زن نیز به جدال خود وسعت بخشیده و رادیکالیزه شده است. زنان چه بمثابة شهروند و عضوی از جنبش های اجتماعی مختلف و چه در دفاع از آزادی و برابری خویش با این نظام سرتاپا سرکوب و جنایت درحال نبرداند. نقش برجسته زنان در اعتراضات توده ای و در رهبری این اعتراضات بر سر زبان ها است. نقش زنان در رهبری اعتراضات بویژه در قیام آبان ماه بیش از پیش برجسته شد. و اکنون، در متن چنین شرایط سیاسی - اجتماعی است که به استقبال ۸ مارس می رویم. ۸ مارس روز جهانی آزادیخواهی و برابری طلبی است؛ یک روز مهم در حیات جنبش های آزادیخواهانه و برابری طلبانه نه تنها بین المللی، بلکه در ایران. چهل و یک سال پیش در روز ۸ مارس جنبش آزادی زن با سازماندهی یک اعتراض وسیع علیه جمهوری اسلامی و حجاب اسلامی و ایدئولوژی منحط و قوانین عقب مانده آن متولد شد. جنبش آزادی زن اولین اعتراض وسیع را علیه این نظام سازمان داد و علیه زن ستیزی و انحطاط و سرکوب آن اعلام جنگ نمود.

دو سال پس از خیزش عظیم سرنگونی طلبانه مردم و چند ماه پس از قیام آبان ماه باید ۸ مارس را به مصافی دیگر برای عقب راندن بیشتر رژیم اسلامی بدل کنیم. امسال ۸ مارس در شرایط متفاوتی برگزار می شود؛ شرایط متفاوت سیاسی، تغییر توازن قوای سیاسی - طبقاتی در جامعه باید در اعتراضات ۸ مارس ملحوظ و برجسته شود. باید بکوشیم مارش های وسیع علیه موجودیت رژیم زن ستیز اسلامی سازمان دهیم. باید در این روز در مقابل این نظام یک صف آرای رزمنده و رادیکال سازمان دهیم. در شهرهای مختلف، در دانشگاهها میتینگ و راهپیمایی برگزار کنیم. پرچم "آزادی زن، معیار آزادی جامعه است!"، "زنده باد آزادی و برابری زنان!"، "ستم بر زن موقوف!"، "نه به حجاب و آپارتاید جنسی!"، و "مرگ بر جمهوری اسلامی!" را به اهتزاز درآوریم.



زن، در زندگی و مرگ:

از فردریک وست تا آنتونی کندی

منصور حکمت

جدا شد) بالاخره در روز ۱۲ مارس، دو دهه پس از تصویب اصل پذیرش زنان به مقام کشیشی در سینود مرکزی اش، ۳۲ زن را در کلیسای اعظم بریستول به این کسوت در آورد. این را البته افکار عمومی در انگلستان، و قبل از همه خود زنان مربوطه، گام مهمی در احقاق حقوق زنان میدانند. یکیشان با شوق میگوید "تنها وقتی در خدمت کلیسا برابر باشیم میتوان گفت که در پیشگاه خداوند برابریم". آنچه مسلم است اینست که در ظرف چند ماه آینده حدود هزار و دویست کشیش زن هم در انگلستان خواهیم داشت که کنار همقطاران مذکرشان بر منابر، آموزش کهنه و مردسالارانه مذهب درباره زن و جایگاه ویژه او در پیشگاه خداوند را، که ترجمه الهی جایگاه ویژه او زیر لگد جامعه مردسالار است، به خورد مردم بدهند.

با همه ربطی که این موضوع به بحث ما دارد، باید بهرحال اینجا از آن بگذریم، چون منظور معرفی جناب کندی است.

ایشان نظیر بسیاری از کشیشان نر در کلیسای انگلستان، که بعضا حتی از سر انزجار به آغوش کلیسای رم برگشتند، از این تحول خشمگین است. میگوید:

"کشیشان زن باید بر دار سوزانده شوند، زیرا به قدرتی دست میبرند که هیچ حقی بر آن ندارند. در قرون وسطی نام این سحر و جادو بود. تنها راه مقابله با ساحره ها اینست که بر دار سوزانده شوند"

"انجیل در این مورد کاملا روشن است. مردان و زنان از نظر بیولوژیکی تفاوت دارند. ما هرگز نمیتوانیم مانند هم باشیم. نمیتوانم تصور کنم که یک زن چگونه میتواند تجسم مسیح باشد، جراحی علاج کار نیست".

فردریک وست، یا جانی خانه مرگ هر که هست، دوزخی است، پلیس میبرد و پنهانش میکند. تا سالها نامش و اعمالش پشت مردم را در خلوتشان میلرزاند. اما آنتونی کندی بهشتی است، میتواند بی هیچ جرح و تعدیلی مسیح را نمایندگی کند، کودکان کودکستانی ما در خیابان به او لبخند میزنند و سلام میکنند، کسی در خانه او دنبال جسدی و در مغزش در جستجوی معمای مخوفی نیست. اما این همان آدم و همان واقعه است.

خشم و نفرین آنتونی کندی کلید حل معمای جنایات گلاستر را بدست میدهد. هر دو مورد باید بعنوان نمونه های جنایتکارانه خشونت علیه زنان و تبلیغ و تطهیر خشونت علیه زنان فهمیده شوند. این خشونت از مغز معلول وست و از دین معیوب کندی سرچشمه نمیگیرد. هر دو آنقدر عقل داشته اند که قربانیان خود را در میان اقدار بیحقوق تر

رویداد هولناکی در اوایل مارس انگلستان را بهت زده کرد. در شهر سربزیر و تاریخی گلاستر، که به کافه های دنج و کلیسای بزرگ قرن یازدهمی اش شهرت دارد، خانه ای کشف شد که مدفن اجساد قربانیان قتل های مرموزی در طول بیست و پنج سال گذشته بوده است. تا نیمه مارس ۹ جسد از کف زیر زمین و حیاط خلوت و حمام خانه شماره ۲۵ کرامول استریت، که "خانه مرگ" و "تالار وحشت" لقب گرفته است، کشف شده بود. به تخمین پلیس، بر مبنای قرآنی نظیر گمشدگان سالهای اخیر در منطقه، این عدد میتواند به ۳۰ برسد.

با هر جسد یکبار دیگر نفس در سینه آنها که در این سالها گمشده ای داشته اند حبس میشود. با هر جسد، ازدحام خبرنگاران و توریستها و مردم کنجکاو که در محل با دوربین و وسائل پیک نیک اطراق کرده اند، انبوه تر میشود. همسایه ها پنجره کرایه میدهند. هرکس به فراخور شغل و تخصصش چیزی میگوید. شهردار گلاستر "مرگ یک شهر" را افسوس میخورد. خبرنگار "علمی" مقتون تکنولوژی راداری مین باب ارتش در جنگ فالكند است که اینک ابزار اصلی پلیس در حفاری ها و کشفیاتش است. در حالیکه متخصصین علائم شناسی پلیس در تلاش کشف هویت قربانیان از روی ژن آنها و بازسازی چهره آنان هستند، روانشناسان در تقلا درک مخیله و ذهن قاتلند. کدام جانور، کدام موجود بیمار و در هم پیچیده ای میتواند مرتکب چنین جنایتی شود؟ اینکه عامل این جنایات باید "مریض" بوده باشد تقریبا یک فرض عمومی است. آخر، بقول پزشک قانونی در محاکمه پرونده مشابهی در آمریکا، کسی که قادر به ارتکاب این "قتل های غیر عادی" است چطور میتواند آدم سالمی باشد.

فردریک وست، بنای ۵۲ ساله مالک و ساکن خانه مرگ به اتهام ارتکاب این جنایات دستگیر شد. روانکاوان متعدد بیشک به دهلزهای ضمیر او خیره خواهند شد و از حدسیات خود کتابها خواهند نوشت. اما یک نکته، که بعنوان یک جمله ساده در گزارشات پلیس و خبرنگاران ذکر میشود و میگذرد، به واقعیتی فراتر از قاتل و دنیای درونی او اشاره میکند: تمام قربانیان این جنایت زن بوده اند.

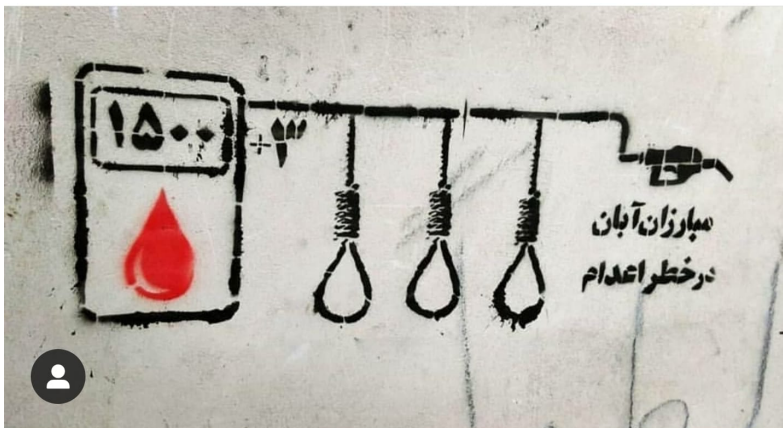
...و این ما را به آنتونی کندی میرساند.

در صفحه ۴ روزنامه تایمز لندن، روز ۹ مارس، و از قضا درست پشت گزارشی در مورد خراشهای ماجرای کرامول استریت بر سیمای دوست داشتنی شهر گلاستر، مطلبی در مورد تحولات مهم اخیر در کلیسای انگلستان و نمونه ای از اصطکاکهای درونی آن چاپ شده است. قهرمان ماجرا حضرت اقدس آنتونی کندی سر کشیش لاتون و توابع است. کلیسای انگلستان (که حدود ۵۰۰ سال قبل از کلیسای رم

اعلامیه حزب حکمتیست

علیه حکم اعدام سه نفر از معترضین آبانماه اعتراض کنیم!

بنا به اخبار منتشر شده، ابوالقاسم صلواتی، رئیس شعبه ۱۵ دادگاه انقلاب تهران، امیرحسین مرادی، سعید تمجیدی و محمد رجبی، از بازداشت‌شدگان اعتراض‌های آبان را به اعدام محکوم کرده است. این سه زندانی سیاسی علاوه بر حکم اعدام مجموعاً به ۳۸ سال



زندان و ۲۲۲ ضربه شلاق محکوم شده اند. اتهام وارده به این افراد که تحت شکنجه شدید توسط پلیس امنیت گیشا برای گرفتن اعتراف اجباری به آنان تحمیل شده است، "مشارکت در تخریب و تحریک به قصد مقابله با نظام جمهوری اسلامی و مشارکت در سرقت مسلحانه مقرون به آزار در شب" در جریان اعتراضات در محله ستارخان و همینطور "خروج غیرقانونی از کشور" اعلام شده است. این زندانیان در ارتباط با خانواده‌هایشان اعلام کرده اند که "ما بعنوان جوانانی که از بیعدالتی و قوانین واپسگرا به تنگ آمدیم و خواهان دگرگونی بنیادی هستیم به خیابان آمدیم و اعتراض کردیم. اتهام "مجاهد و ارتداد" به ما تلاشی برای توجیه حکم اعدام است و اتهامات را با شکنجه به ما تحمیل کرده اند".

لازم به ذکر است که محمد رجبی و سعید تمجیدی در تاریخ ۲۹ آبان به ترکیه پناهنده شده بودند، اما پلیس ترکیه در تاریخ ۷ دیماه ۹۸ آنها را به ایران دپیورت کرد. حزب حکمتیست همکاری دولت ترکیه و جمهوری اسلامی را قویاً محکوم میکند. این حرکت دولت ترکیه نقض قوانین بین المللی و انسانی در حمایت از پناهندگان سیاسی است. ما از سازمانهای سیاسی پیشرو بین المللی و انساتهای آزادیخواه و برابری طلب می‌خواهیم که علیه این اقدام و سیاست جدید دولت ترکیه قاطعانه اعتراض کنند.

حزب کمونیست کارگری - حکمتیست از جریان‌های سیاسی و مردم آزادیخواه دعوت میکند که فعالانه به این احکام اعتراض و از اعدام این جوانان ممانعت کنند. جمهوری اسلامی بخشی از دستگیری‌های آبانماه را تحت عنوان "لیدرها" مدتهاست در زندان تحت شکنجه قرار داده و تعدادی را زیر شکنجه به قتل رسانده و عنوان "خودکشی" روی آن گذاشته است. جمهوری اسلامی با تداوم این جنایتها میخواهد از جامعه و جنبش آبانماه انتقام بگیرد. نه کشتار و قتل عام آبانماه، نه مضحکه تابوت چرخانی قاسم سلیمانی و موشک پرانی، نه مضحکه انتخابات نتوانست جنبش آبانماه را بعنوان محور سیاست ایران حاشیه‌ای کند. فراخوان ما اینست که با ابتکارهای مختلف از این جوانان و زندانیان آبانماه قاطعانه دفاع کنیم و برای آزادی کلیه زندانیان سیاسی تلاش کنیم.

حزب کمونیست کارگری ایران - حکمتیست

۵ اسفند ۱۳۹۸ - ۲۴ فوریه ۲۰۲۰

زن، در زندگی و مرگ:

از فردریک وست تا آنتونی کندی ...

جامعه جستجو کنند. منشاء این خشونت، دنیایی است که زن را در هزار و یک راه و رسم و قانون و سنت زمخت و ظریف، قابل ستم و کم ارزش تعریف کرده است و آگاهانه و عامدانه، و در اغلب موارد به خشونت آمیزترین شیوه ها، راه رهایی زن و خروج او از موقعیت قربانی را سد میکند.

این قرون وسطی نیست. این عصر سرمایه داری است. هرچه با بازار و سود تناقض داشته باشد، دیر یا زود کنار زده میشود. بسیاری از جان سخت ترین افکار و تعصبات و راه و رسمهای کهنه در برابر نیازهای پیش پا افتاده و روزمره تجارت و تولید ور افتاده اند. و لاجرم، اگر زن آزاری و زن ستیزی و تبعیض و خشونت علیه زن هنوز یک واقعیت پابرجای زندگی مردم این عصر است، اگر علیرغم جنبشهای قوی و اجتماعی برای رهایی زن، هنوز ستم جنسی در چهار گوشه جهان حکم میراند، باید حکمتش را همینجا، در همین عصر و در مصالح همین نظام جستجو کرد.

جنایت از سر "جنون"، همیشه ممکن است وجود داشته باشد. اما آن نوع جنونی که قربانیانش، از خیابان و خانه تا مدرسه و کارخانه، عمدتاً زنان هستند، دیگر جنون نیست، بلکه بیان جنون آمیز گوشه ای از عقل حاکم بر جامعه است.

اولین بار در فروردین ۱۳۷۳، آوریل ۱۹۹۴، در شماره ۱۳ انترناسیونال منتشر شد.

مجموعه آثار منصور حکمت جلد هشتم صفحات ۱۷۹ تا ۱۸۲



کرونا در ایران، چه باید کرد!

سیاوش دانشور

مسئله ویروس کرونا را در حال حاضر باید از جوانب سیاسی، رقابت اقتصادی شرکت‌های دارو سازی، تقابل تجاری چین و آمریکا، و کوهی از تحلیلهای مبتنی بر تئوری توطئه جدا کرد. تردیدی نیست که در جهانی که همه چیزش توسط سرمایه تعیین میشود و یا مهر مصالح و منافع سرمایه را بر خود دارد، بسیاری از مسائل میتوانند قابل فکر باشند و یا صاف و ساده از سر بی اعتمادی واقعی شهروندان به حاکمان فاسد امروز جهان در اذهان جا پیدا کنند. تردیدی نیست که دولتها و شیوه برخورد آنها به مسائلی از این دست از محاسبات سیاسی و سود و زیان اقتصادی قابل تفکیک نیست.

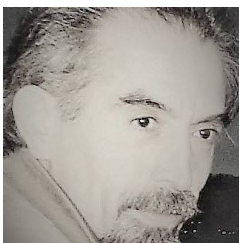
توضیح منشأ، انکشاف و چگونگی جهش این ویروس را باید بعهدہ کارشناسان و متخصصین علم ویروس شناسی گذاشت. مسئله کنونی و لحظه حاضر، نقطه عزیمت ما در برخورد به چنین واقعه ای است که بویژه در ایران می‌رود که به یک فاجعه تمام عیار و یک ماشین کشتار بدل شود. آنچه امروز مطرح است، درجه احاطه جامعه به آگاهی پایه و اقدامات لازم فردی و جمعی در این وضعیت، متوقف کردن تهدید از کنترل خارج شدن آن، تامین نیازهای ضروری بهداشتی برای تقابل با این مسئله و نجات جان دهها میلیون انسان است.

یک تفاوت اساسی

در دنیای امروز و در همه کشورها دولتهای سرمایه داری حاکمند. اما بیشتر این دولتها امکانانشان را بسیج کرده اند، بودجه ویژه اختصاص داده اند، آماده باش اعلام کردند، قوانین ویژه وضع کردند، با هر موردی که مشاهده شده درجه لازمی از قرنطینه و اقدامات ضرور دیگر در دستور قرار دادند، مرتباً شهروندان را با پمپاژ اطلاعات علمی و معتبر آبدیت میکنند تا بتوانند اوضاع را کنترل کنند. حتی دولتی مثل افغانستان با جنگ روزمره و بحران سیاسی و مشکلات متعدد بسیار بهتر از جمهوری اسلامی عمل کرده است. اگر همه این اقدامات بورژوازی را به حساب انساندوستی شان هم نگذاریم، لاقلاً میتوانیم اینرا بگوئیم که اگر نتوانند اینگونه عمل کنند و در پس این بحران ناتوان بیرون بیایند، فردا یا سرنگون میشوند و یا ناچار به استعفا. واقعیت اینست که جنبشهای کارگری و سوسیالیستی و آزادیخواهانه طی مبارزات و جانفشانی های طولانی، توقع و حقوق مردم را نسل اندر نسل ارتقا دادند، به قانون بدل کردند، بدرجات متفاوت این واقعیت که جامعه و دولت در قبال شهروند و حقوق وی مسئول است را به کرسی نشاندند. وگرنه بورژوازی قرن بیست و یکمی ماهیتاً دستکمی از اسلافش در قرنها پیش ندارد.

در ایران اما یک حکومت هار مذهبی و قرون وسطائی و حریص و ضد جامعه حاکم است. حکومتی که به مردم میگوید برای هر دردی نماز و دعای کوفت و زهرمار بخوانید اما برای خودشان مجللترین و پیشرفته ترین بیمارستانها و امکانات را فراهم کرده اند. حکومتی که اتفاقاً میخواهد و مایل است که از مُصیبتِ ویروس کرونا علیه این مردم و در خدمت بقای خویش استفاده کند. حکومتی که اطلاع رسانی پزشکان و کادر دلسوز و فداکار که با جانشان بازی میکنند را امنیتی

میکند، حکومتی که حتی اعضای "شورای مدیریت بحران" اش به اندازه یک دانش آموز عادی اروپائی دانش و فهم در برخورد به چنین مسائلی ندارند. حکومتی که ماسک و دستکش و لوازم بهداشتی را احتکار میکند، به شنبع ترین شکل ممکن با اجساد قربانیان و خانواده‌هایشان رفتار میکند، دچار مالیخولیای "توطئه دشمن"



در باره هر چیزی است، و در یک کلام صلاحیت اداره و مدیریت هیچ بحرانی از زلزله و سیل و آتش سوزی تا هجوم ملخ و ویروس را ندارد. اینجاست که جان دهها میلیون مردم در خطری جدی قرار دارد. این حکومت حتی نمیتواند فکر کند که بالاخره چی، اگر مردم کرور کرور مبتلا شدند و تلف شدند، آیا آخوند جماعت و دستگاه کثیف دین شان میتواند در پس این واقعه بازهم دوام بیاورد؟ این بحران برای حکومت اسلامی میتواند و قابلیت آنرا دارد که بسیار بیشتر از کشتار آبانماه و سرنگونی هواپیمای مسافربری عواقب داشته باشد و فی الحال به کوه نفرت عظیم از جمهوری اسلامی و دستگاه دین و توصیه های آخوند - دایناسورهای حکومتی افزوده است.

گسترش انفجاری ویروس

اخبارمستقل پزشکان، پرسنل بیمارستانی، شهروندان و حتی وابستگان حکومتی از گسترش انفجاری ویروس و مبتلا شدن شهروندان سخن میگویند. برخی اخبار به "دیگر دیر است و ویروس دارد سونامی میشود" اشاره دارد. اوضاع علیرغم میل همه ما دارد به سمت بسیار خطرناکی سیر میکند.

چه باید کرد؟

حزب کمونیست کارگری- حکمتیست از ابتدا تلاش داشت بسیار مسئولانه به موضوع برخورد کند. ویروس کرونا و اشاعه جهانی آن نه مشابه زلزله است و نه سیل. در اینموارد میشد بسیج عمومی داد، خود مردم و کارگران شریف و انساندوست تجارب غنی دارند و توانستند قبل از رویدادهای دیماه ۹۶ و با علم به اینکه حکومت کاری نمیکند و حتی کمکهای دریافتی را هم می دزدد و به بازار روانه میکند، موجی از همبستگی انسانی خلق کردند. مسئله ویروس کرونا اما یک کیس متفاوت است، همان برخورد را نمیتوان داشت و هر فراخوانی از این دست میتواند عمیقاً غیر مسئولانه باشد. "جمع شوید و اعتراض کنید"، "دست به اعتصاب بزنید" و رهنمودهایی از این دست تنها نمایش نادانی در قبال مسئله ای است که خصوصیات تماماً متفاوتی دارد و تقابل با آن راه و رسم ویژه خود را می طلبد. این وضعیت ابداً "عادی" نیست و تنها جنایتکارانی مانند حسن روحانی میتوانند وضعیت را "عادی" اعلام و با جان و سلامتی یک جامعه بازی کنند. کسانی که چنین سخنانی را میگویند، اگر در محله و شهر خودشان با اپیدمی روبرو شوند، نه حاضرند از محل زندگی شان بیرون بروند و نه فرزندانشان را به مدرسه و دانشگاه و خیابان بفرستند. ضدیت عمیق و برحق با جمهوری اسلامی طرح هر سیاست نامسئولانه و غیر کارشناسانه ای را توجیه نمیکند. اگر کشورهای همجوار ایران تمامی مبادی ورودی زمینی و هوایی را فوراً می بندند، اگر تمام شرکت‌های هوایی پرواز به ایران را کنسل و هر ورود از ایران و هر کشور مبتلا به کرونا را تحت تدابیر شدید قرار میدهند، دلیلی جز کنترل دامنه شیوع آن ندارد. هیچ سرمایه داری دوست ندارد منحنی سودش افت کند. ضرر اقتصادی ناشی از این واقعه فی‌الحال دارد تنه به تنه بحرانهای بزرگ اقتصادی میزند. اما این صفحه ۷

کرونا در ایران، چه باید کرد ...

اقدامات منافع درازمدت‌تر و استراتژیک‌تر سیاسی و اقتصادی را مد نظر دارد.

موقعیت کنونی بسیار ویژه است و اقدامات ویژه را می‌طلبد. دولت اسلامی می‌گوید از این هفته همه چیز روال "عادی" پیدا می‌کند. مردم اما می‌گویند غلط کردی خیلی هم غیر عادی است. دانشجویان در بیش از شصت دانشگاه کشور اعلام کردند که سر کلاسها حاضر نمی‌شوند. خانواده‌ها از فرستادن فرزندان‌شان به مدارس بدرست خوداری می‌کنند. قطع آمد و رفت‌ها، مهمانی‌ها، اردوها، جلسات و اجتماعات از نگرانی واقعی سخن می‌گوید. خانواده‌ها بحق نگران جان زندانیان و یک کشتار دیگر در سکوت هستند. کارگران از فقدان کمترین امکانات بهداشتی سخن می‌گویند و ادامه کار را با وضع کنونی غیرممکن میدانند. مسئله جان در میان است آنهم در مملکتی که مقاماتش به کادر پزشکی دستور دادند تست کرونا نگیرید و آمارها را پنهان می‌کنند. بدرست یا نادرست کرونا دامن آخوندها و سران حکومت را هم گرفته است، مدیریت بحران فاقد هر توانائی حداقلی است، امکاناتی در اختیار شهروندان نیست و با این وضع امکان هیچ تلاش موثری مقدور نیست. ممکن است خانواده‌هایی که فرزندش در زندان اسیرند و نگران جانشان هستند، نتوانند در منزل بنشینند و جلوی زندان اجتماع کنند، اما فراخوان به اجتماع و اعتراض شهروندان در این اوضاع خطرناک و بشدت غیر مسئولانه است و کمترین پاسخی هم نمی‌گیرد. در وضعیت کنونی سیاست تقابل با حکومت باید متناسب با این وضعیت ویژه باشد. از جمله این اقدامات فوری و حیاتی اند:

- قرنطینه فوری شهرها، مناطق و اماکنی که پتانسیل شیوع بیماری را دارند. استفاده از تجارب کشورهای پیشرفته دیگر یک راه حل مقدور و ممکن است.

- کار باید تعطیل شود. نباید سر کار رفت. اعمال فشار به دولت از این طریق باید صورت گیرد. سازمان کار و بازتولید جامعه در هر شرایطی الزامی است اما میتواند به سطح حداقلی و قلمروهای ضروری و اوژانسی محدود شود. وضعیت ویژه نیازمند اقدامات ویژه است. با این سیاست باید دولت را موظف به تامین سلامت و جان شهروندان و تامین نیازهای آنان کرد.

- ایجاد سازمان خرید آنلاین وسایل ضروری و نیازهای اساسی در سطوح محلی و منطقه‌ای. این کار امروز بدرجائی در ایران معمول است و میتواند و باید در این اوضاع ویژه تا فائق آمدن به کنترل بیماری استفاده شود.

- آزادی فوری زندانیان سیاسی و بیشتر زندانیانی که با جرمهای محدود در زندان بسر می‌برند. زندانها یک محل بالقوه خطر هستند و میتواند بیشترین قربانی را بگیرد. هر نوع تعلل دولت در این زمینه را اقدام آگاهانه و عامدانه دولت به قتل عمد و کشتار جمعی تلقی کرد.

- باید با استفاده از نت ورکهای مجازی یک همصدائی و همبستگی قدرتمند ایجاد کرد و پرچمی را که در اعتراضات و اعتصابات تاکنون برافراشته ایم، از جمله؛ حق شهروندان برای برخورداری از خدمات

پزشکی رایگان، تست مرتب و برخورداری از وسائل ضروری بهداشتی و استاندارد را تاکید و جمهوری اسلامی را موظف به تامین آن کنیم.

- از همین طریق جامعه را در مقیاس گسترده با توصیه‌های علمی و کارشناسانه سازمان بهداشت جهانی برای مراقبت از خود آگاه کرد. پمپاژ مرتب اطلاعات به شهروندان توسط پزشکان و کادر درمانی دلسوز و مقابله با تهدید پلیس فتا برای امنیتی کردن اطلاع رسانی در باره سلامت شهروندان.

- نرفتن به مساجد، زیارتگاهها و بسیج عمومی علیه هر خرافه مذهبی و توصیه‌های غیر علمی و غیر کارشناسانه و ضد جامعه. این بهترین فرصت برای نشان دادن بی ربطی دستگاه دین و خرافات اسلامی به سلامت و بهداشت جسمی و روانی شهروندان است.

- علیه سواستفاده و مال اندوزی عده ای شیاد و سرمایه دار که نیازهای اولیه شهروندان را احتکار میکنند ایستاد و بر وظیفه فوری حکومت در قبال سلامت و بهداشت مردم در وضعیت ویژه و بحرانی کنونی، بر غیر کالائی کردن خدمات پزشکی تاکید کنند.

ضرورت حمایت جهانی

اخبار وضعیت ویژه ایران تقریباً در تمام رسانه‌ها و توسط سازمان جهانی بهداشت طرح شده است. نهادهائی که آمار شیوع و دامنه تلفات ویروس کرونا را رصد میکنند، از هفته گذشته راجع به وضعیت ایران هشدار دادند. این مسئله ای جهانی است و سازمانهای بین المللی از جمله سازمان جهانی بهداشت که جمهوری اسلامی هم موظف به رعایت قرارداد آن شده است در قبال کنترل بیماری وظیفه دارند. ایرانیان خارج کشور باید در قبال این موضوع حیاتی فشار بیشتری بیاورند. اگر در داخل کشور مردم با تهدیدات امنیتی روبرو هستند، در کشورهای اروپا و امریکای شمالی این موضوعیت ندارد.

مسئولیت نیروهای اپوزیسیون

جریانات اپوزیسیون ایران باید به این موضوع بمثابه کیسی برخورد کنند که در ایران تحت حاکمیت جمهوری اسلامی پتانسیل یک نسل کشی را دارد و یک جامعه را تهدید میکند. نجات جان مردمی که در خطر هستند و کمک به وادار کردن جمهوری اسلامی برای به اقدامات اوژانسی که هر دولتی در جهان انجام میدهد، از جمله فشارهایی است که میتوان با ابتکارات مختلف آورد.

ویروس کرونا اگرچه تاکنون ضربات اقتصادی برای بورژوازی داشته و منبعد نیز شرکتهای داروسازی از دارو و واکسن آن سود بجیب میزنند، اما زیان غیر قابل جبران آن جان دهها میلیون انسانی است که در کشورهایمانند ایران مورد تهدید جدی قرار دارند. یک سیاست مسئولانه در قبال حق حیات و سلامتی و آینده مردم اینست که هر کمکی که میتوانیم و از دستمان برمی آید انجام دهیم. در این جدال از جمله میتوان گور حکومت اسلامی را کند اما الان اولویت نجات جان مردمی است که بدلیل پنهانکاری و محاسبات سیاسی ارتجاعی رژیم اسلامی در خطری جدی قرار دارند. سیاست ما دامن زدن به پانیک که در جامعه وجود دارد نیست، در عین حال بیفتاوتی در قبال آنچه که مقابل چشمانمان در شرف وقوع است و قربانیان زیادی گرفته است را هم سیاستی غیر مسئولانه میدانیم. *

کرونا و رژیم اسلامی سرمایه

به یاد نرجس خانعلی زاده

جاوید حکیمی



سیر تحقیقات، کاملاً قطره چکانی و منطبق با منافع اقتصادی به سمع و نظر مردم میرسد.

در ایران اسلام زده اوضاع به مراتب اسفناکتر و سیر حرکت به سمت بروز فاجعه ای هولناک است. اینجا غیر از آخوند طفیلی که ظاهراً موجودی "ملکوتی" است، سایرین غیر خودی و

حتی دشمن به شمار می آیند. قرنطینه و ارائه خدمات بهداشتی و درمانی برای همگان و به ویژه مبتلایان سهل است حتی یک تست ساده هم از مشکوکین نمیگیرند. در این سرزمین مصیبت زده چرایی این لاقیدی غیرقابل تصور حکومت اسلامی بر همگان روشن است. این همان حکومتی است که هزار و پانصد نفر و به روایتی پنج هزار نفر را ظرف فقط چند روز قتل عام کرد. حکومتی که جنازه های جانباختگان را در کوه و رودخانه و دشت و دمن مدفون و رها کرد. رژیم اسلامی برای بقای خویش میجنگد به همین دلیل برای مقابله با کرونا مصلحت را اتخاذ سیاست پنهانکاری و بی تفاوتی، و اگر کمی بدبین یا واقع بین باشیم، در انتشار هرچه وسیع تر آن دیده است.

فرهنگ جامعه فرهنگ طبقه حاکم است. حاکمیت مناسبات ضد انسانی لاجرم به سقوط و انحطاط ارزشهای انسانی در جامعه بویژه در میان طبقات مرفه و خرده بورژوازی منجر میشود. احتکار ماسک و وسایل بهداشتی و فروش آن به قیمت گزاف جلوه ای تهوع آور و شنیع از فقدان حداقل ارزشهای انسانی نزد طبقه حاکم و لایه هائی است که از قبل این حاکمیت ارتزاق میکنند. بورژوازی عقیمانده و متحجر، فرهنگ کاسبکارانه را به یک نرْم و هنجار اجتماعی تبدیل کرده است. همانها که پیشتر انگشتهای بنفش خود را به خون زندانیان و اعدام شدگان آغشته بودند، اکنون ضروریترین وسایل مورد نیاز مردم جهت مقابله با بیماری و ممانعت از آلودگی را احتکار می کنند. اینها همه از تبعات حاکمیت یک نظام سودپرست و ضد انسانی است که در ایران با نقاب دین بر چهره و ژست ضد آمریکایی آمزش را پیش میبرد. این حکومت اسلامی سرمایه داری است و سرمایه داری یعنی همین.

اما این تمام واقعیت جامعه نیست. در دل این جامعه و مناسبات و ارونه انتقاد ضد سرمایه داری، انتقاد سوسیالیستی طبقه کارگر به وضع موجود با هدف زیر و رو کردن این نظم کثیف و خونبار همواره وجود داشته است. سوسیالیسم به مثابه جنبشی مبتنی بر آزادی و برابری و رهائی انسان از مناسبات مبتنی بر بردگی و استثمار ریشه در همین جامعه دارد. طبیعت انسان بدون ارزشهای انسانی قابل تصور نیست. کیست که کمکهای بی دریغ بخشی از کادر پزشکی و پرستاران را در چنین روزهای سختی ببیند و به شرافت و شهامت آنان درود نفرستد. سوسیالیسم در تحلیل نهایی و در جوهر خود یعنی همین. اینکه آدمها خودشان را نه رقیب یکدیگر که یار و یاور هم تلقی کنند. اینکه هرکس قادر باشد خودش را جای دیگری تصور کند و همانقدر برای او خواهان سلامتی و رفاه باشد که برای خودش. این سوسیالیسم است و آحاد جامعه به ویژه توده زحمتکش و تولید کننده، فراوان از این دست انسان ها در خود تربیت و پرورش داده است.

صفحه ۹

چیزی غم انگیزتر و دردناکتر از این نیست که انسان احساس کند بودش نه فقط علی السویه بلکه به حال اجتماع مضر است. احساس کند وجودش، حیات هموعان و عزیزانش را به خطر می اندازد. رسیدن انسان به این باور که با هر دم و بازدم، جهانی را آلوده می کند و تخم مرگ در فضا می پراکند، فوق العاده وحشتناک است. این دقیقاً آن احساس تلخ و گزنده ای است که تمام صاحبان سرمایه و اربابان رسانه این روزها و پس از شیوع ویروس کرونا سعی میکنند به آحاد جامعه القا کند. هدف عطف توجه به قصور افراد به جای سیستم معیوب و وارونه حاکم است. تردیدی نیست که وقوع بلاهای طبیعی و ظهور بیماریهای ناشناخته را علی القاعده به حساب هیچکس نمی نویسند. اما درست در چنین موقعیتهایی است که گندیدگی مناسبات موجود و فاسد بودن مسئولین امور عریان تر از هر زمان دیگری آشکار میشوند.

انتشار ویروس کرونا و مرگ و میر ناشی از آن البته اتفاق ناخوشایندی است، لیکن عمق فاجعه جای دیگری است. مساله اینست که در این سیستم سرمایه محور که دیوانه وار بدنبال کسب سود است، همه چیز تابعی از اولویت های اقتصادی است. دولت چین بروز بیماری را هر چقدر زورش رسید کتمان کرد تا حتی الامکان در روند فعل و انفعالات اقتصادی خللی وارد نشود. آنها خونسر دانه و بسادگی جان انسانها را قربانی منافع اقتصادی کردند. تنها پس از آنکه فاجعه اوج گرفت و بیم نابودی کل جامعه میرفت، آنگاه با شدت و حدت تمام و بطور علنی در صدد مهار و کنترل آن برآمدند. بورژوازی برای تداوم استثمار و تامین زندگی انگل وار خویش نه به فرد فرد انسان های زحمتکش بلکه به کل طبقه تولید کننده نیاز دارد. بالاخره توده کارکن و طبقه تولید کننده ای باید باشد تا اقتصاد مبتنی بر استثمار و کسب سود، سامانی بگیرد و سرمایه ای انباشت گردد.

گزارشات و تصاویر ضد و نقیضی از روشهای مهار و کنترل بیماری در چین ارائه شده است. برخی ویدیوها صحنه هایی را نشان می دهند که انسان از وجود این همه شقاوت و بیرحمی نسبت به هموعان خود منقلب میشود. با مشکوکین و مبتلایان چنان خشن و غیر انسانی برخورد میشود که گویی آنان نه انسان بلکه خود ویروسند. در برخی موارد قتل و کشتار با گلوله در کمال خونسردی مشاهده میشود. سازمانها و نهادهای حقوق بشر بورژوایی ابتدا به مقامات چینی برای چنین برخوردهایی هشدار و سپس آنان را ستایش کردند! استدلال طبق معمول این بود؛ کامیابی در هدف، طرق رسیدن به آن را توجیه می کند و چین در کنترل بیماری موفق عمل کرد! بله، ارزش مصرف تعدادی تمام شد و میشود دورشان انداخت! آنها انسانهای سالم را نیز چونان اسباب بازی های کوچکی که باید تمیز و سالم نگهداری شوند تحت نظر قرار دادند. اطلاعات مربوط به آمار مرگ و میر، تعداد مبتلایان و نیز

یا کار یا بیمه بیکاری! بیمه بیکاری مکنی برای تمام افراد آماده به کار!



جنبش زنان و تحولات اخیر در ایران

سمینار روز زن در لندن

سخنرانان: نسرین ابراهیمی، آذر ماجدی و هلاله طاهری

جمعه ۶ مارس از ساعت ۶ بعدظهر تا ۱۱ شب

مکان: اتیوبی کامیونیتی سنتر

2A LITHOS RD, WEST HAMPSTEAD, LONDON NW3 6EF

نزدیکترین ایستگاه:

خط جوبیلی لاین- فینچلی رود (FINCHELY ROAD STATION)

ورودی رایگان است، اجرای موزیک زنده،
شام در محل سرو میشود.

لطفا برای اطلاعات بیشتر به شماره تلفن 07579801365 مراجعه کنید.

برگزار کنندگان:

بنیاد زن و جامعه & آلترناتیو سوسیالیستی



MIDDLE EASTERN WOMEN AND SOCIETY ORGANISATION
REGISTERED CHARITY NO. 1150129
OFFICE@MEWSO.ORG

کرونا و رژیم اسلامی سرمایه

به یاد نرجس خانعلی زاده ...



نرجس خانعلی زاده پرستار جوان بیمارستان لاهیجان نمونه بارز چنین انسانهای شریفی است. کسی که خود را بی دریغ وقف بیماران کرد تا آنجا که به خاطر احساس مسئولیت نسبت به انسانها و تعهد به رسالتش جان باخت. نرجس را نه ویروس کرونا که گنبدی مناسبات سرمایه داری و لاقیدی و جنایت پیشگی مدافعین اسلامی آن کشت. باید به کمک این شریف ترین و شجاع ترین انسانها، با اتکا به طبقه تولید کننده و هستی بخش جامعه، شر حاکمان انگل و سودجو را یکبار برای همیشه از سر جامعه کم کنیم. باید تکلیفمان را با سیاستمداران دروغگو و شیادی که همه چیز را از ما مردم پنهان می کنند و در هنگامه بلا و مصیبت تنهایمان می گذارند یکسره کنیم. یادمان باشد تولید اگر نه با هدف کسب سود سرمایه بلکه بر اساس رفع نیازهای انسانی باشد، مناسبات اقتصادی و اجتماعی اگر سوسیالیستی و بر مبنای مودت و نعدوستی باشد، آنگاه سختترین وقایع طبیعی و مصائب غیرقابل پیشبینی نیز ما را به هم نزدیک و صمیمی تر خواهد کرد. در این روزهای سخت بیش از پیش باید بر نیاز سوسیالیسم و فراخوان سوسیالیسم تاکید کرد.*

زندانی سیاسی

آزاد باید گردد!

حزب کمونیست کارگری ایران - حکمیت
Worker-communist Party of Iran - Hehmatist

8 March,
International Women's Day

8 March 2020,
a call for the
overthrow of
Islamic Republic!

Iran 1979

مکرون راست می گوید:

"دموکراسی همین است!"

آذر ماجدی

ویدیویی دیدم از مکرون، رئیس جمهور فرانسه که در مقابل ورودی مکانی که قصد بازدید آنرا داشت توسط تعدادی معترض متوقف شده بود؛ یک زن معترض به او از فشارها و سختی‌ها میگفت و او پاسخ می داد: "این دموکراسی است؛ نماینده هایتان را انتخاب می کنید و آنها در مجلس تصمیم می گیرند." زن پاسخ داد: "اما همه تو خیابان‌ها هستند." مکرون دوباره تکرار کرد: "این دموکراسی است." دو طرف چندین بار این جملات را تکرار کردند. ظاهراً زن معترض قانع نمی شد.

معنای دموکراسی

مکرون درست می گوید "این دموکراسی است." او یک سیاستمدار کلاش و مرتجع است؛ اما در این مورد او درست می گوید؛ عین حقیقت را بیان می کند. اگر کسانی قانع نمی شوند بعزت توهمات است که در جامعه پراکنده اند. دموکراسی را به غایت آزادی و عدالت ارتقاء داده اند. نزد بسیاری دموکراسی برابر است با آزادی و عدالت. لذا زمانی که با فقر وسیع و سرکوب خواست‌ها و اعتراضاتشان روبرو می شوند، به این نتیجه می رسند که حکومت دموکراسی را زیر پا گذاشته است.

اکنون در فرانسه بیش از یک سال است که هر شنبه در شهرهای فرانسه هزاران نفر تحت نام "جلیقه زرد ها" به اعتراض به خیابان‌ها می آیند. دو ماه است که در اعتراض به قانون جدید بازنشستگی که توسط مکرون تنظیم شده و مجلس در حال تصویب آنست، اعتراضات میلیونی در فرانسه برپا شده است؛ اعتصابات وسیع کارگری که در چهل سال اخیر بی سابقه بوده است؛ دانش آموزان و دانشجویان وسیعاً در اعتراضات شرکت می کنند؛ اما نه مکرون و نه دولت عقب نمی نشینند. پلیس با خشونت وحشیانه ای این اعتراضات را سرکوب می کند؛ چندین نفر تاکنون جان باخته اند؛ تعداد بسیاری مجروح و معلول شده اند؛ تعدادی بینایی خود را از دست داده اند و شمار بیشتری بازداشت شده اند. اما این عین دموکراسی است!

دموکراسی پارلمانی یا نیابتی قرار نیست که عدالت را در جامعه برقرار کند یا آزادی شهروندان را تضمین کند. شهروندان هر چند سال یکبار به پای صندوق‌ها می روند و تعدادی را بنام نماینده به مجلس می فرستند تا در مورد امورات جامعه از اقتصاد و سیاست و آموزش و پرورش و غیره تصمیم بگیرند. در این تصمیمات مردم هیچگونه دخالتی ندارند. این باصطلاح نمایندگان به انتخاب کنندگان پاسخگو نیستند؛ قابل عزل نیستند؛ و تا زمانی که دوره شان بسر رسد در مجلس می مانند و با حقوق‌ها و مزایای بالا بعنوان یک قشر ممتاز زندگی می

کنند. معمولاً دو سه حزب بزرگ وجود دارند که مجلس را قبضه می کنند؛ رسانه‌ها را نیز عملاً در اختیار دارند؛ زیرا پول و قدرت میزان قدرت تبلیغاتی را تعیین می کنند.

بسیاری از مردم، بویژه جوانان محروم توهمی به این نظام ندارند. و عملاً انتخابات را تحریم می کنند. نه برای

رای دادن ثبت نام می کنند و نه در پروسه انتخابات شرکت می کنند. بطور نمونه در انتخابات ریاست جمهوری آمریکا فقط حدود پنجاه درصد واجدین حق رای در انتخابات شرکت می کنند. و این باین معنا است که رئیس جمهور را حدود یک چهارم واجدین رای انتخاب می کنند.

حکومت پارلمانی ابزار حاکمیت طبقه سرمایه دار و صیانت نظام سرمایه داری است؛ پارلمان تضمین کننده و تسهیل کننده نیازهای سرمایه داری است. البته بنا به توازن قوای طبقاتی این حکومت به راست یا به چپ می چرخد. اما این گردش به راست و چپ ذره ای از این واقعیت که دموکراسی شکلی از حکومت سرمایه داری است کم نمی کند.

در اینجا این سوال طرح می شود: پس چه نوع حکومتی تضمین کننده آزادی واقعی، عدالت، برابری و رفاه همگان است؟ مساله در درجه اول نه شکل حکومت، بلکه نظام اقتصادی است. تا زمانی که سرمایه داری برقرار است هیچ سخنی از آزادی، برابری و رفاه یعنی عدالت واقعی نمی تواند در میان باشد. پاسخ سوسیالیسم است. نظامی که کار مزدی و استثمار را لغو می کند؛ نظامی که بر مبنای سود پایه گذاری نشده است؛ نظامی که طبقات را محو می کند و لذا قادر است عدالت واقعی را برقرار کند. طی تاریخ و در نتیجه حادث شدن مبارزه طبقاتی و انقلابات مارکس از حکومت بشیوه کمون پاریس بعنوان حکومت سوسیالیستی صحبت می کند. انقلاب اکتبر حکومت شورایی را بوجود آورد. پس از آن برخی کمونیست‌ها از نظام دموکراسی شورایی سخن گفتند. حکومت شورایی بهترین شیوه ای است که تاکنون مبارزات طبقاتی پرولتاریا بدست داده است. اما حکومت شورایی فقط می تواند روبروای حکومتی یک نظام سوسیالیستی باشد.

فرانسه الگوی اپوزیسیون غیر کمونیست ایرانی

اپوزیسیون راست و میانه ایران فرانسه را بعنوان الگو معرفی می کند. هم سکولار است و هم دموکراسی پارلمانی دارد. وجود یک حکومت اسلامی موجب شده است که تمام اپوزیسیون به سکولاریسم قسم بخورند. دموکراسی نیز که اکنون به آخرین کلام جنبش‌های غیر کمونیستی و کمونیسم غیر کارگری بدل شده است. لذا ترکیب سکولار و دموکراسی بعنوان شکل ایده آل حکومت آلترناتیو جمهوری اسلامی اعلام می شود. هیچ جریانی نیز بخود زحمت نمی دهد که محتوا و عملکرد این سکولار دموکراسی را باز کند و توضیح دهد. قرار است این عبارت مردم را سحر کند و بدون سوال آنرا بپذیرند.

از اینرو است که این مکالمه کوتاه میان مکرون و زن معترض می تواند چشمان بسیاری را بگشاید. نگاهی به جامعه فرانسه، به

مکرون راست می گوید:

"دموکراسی همین است!" ..

می کند. بعلاوه، این سکولار دموکراسی در یک کشور سرمایه داری پیشرفته است. نظام سرمایه داری در کشوری مانند فرانسه می تواند این درجه از دموکراسی را تحمل کند؛ هر چند که هر روز بخشی از آنرا حذف می کند. اپوزیسیون ایرانی حتی اگر در قول و وعیدهایش صداقت داشته باشد و قلباً بخواهد که نظامی شبیه فرانسه را در ایران پیاده کند، هیچگاه موفق نخواهد شد. نظام سکولار دموکراسی در ایران در بهترین حالت شبیه ترکیه ده سال پیش خواهد شد. سرمایه داری در کشوری مانند ایران به "کار ارزان و کارگر خاموش" نیازمند است. و همین امر موجب می شود که دموکراسی سریعاً به استبداد بدل شود. برای حفظ این نظام بورژوازی به یک ایدئولوژی تحمیق نیاز دارد؛ لذا سکولاریسم از محتوا خالی می شود و صرفاً به یک نمای بیرونی بدل می شود. مذهب و ناسیونالیسم دو

فقر روزافزون، به کارتن خوابی، به اختلاف طبقاتی عمیق، به اعتراضات وسیع و میلیونی شهروندان عادی، به وضعیت طبقه کارگر، به سیستم آموزشی و درمان اکثریت شهروندان، به نظام پلیسی و خشونت عنان گسیخته پلیس در مقابله با اعتراضات مردم کارگر و زحمتکش، به حاکمیت قوانین اختناق که به بهانه تروریسم در فرانسه حاکم شده است، همه و همه تمام عمارت پوشالی اپوزیسیون را ویران

بزرگداشت روز جهانی زن

جمعه ۶ مارس سخنرانان



فریده رضائی
کارآرزان



مهرنوش شفیعی
شورای حمایت از مبارزات
آزادیخواهانه مردم ایران - استکهلم



افسانه پویش
سازمان اقلیت



پروین کابلی
حزب کمونیست کارگری ایران -
حکمتیست



صدیقه محمدی
حزب کمونیست ایران

بخش هنری: سرود خوانی رویا صادقی و موزیک

زمان: جمعه ۶ مارس ساعت ۱۶:۳۰ تا ۲۲
مکان: آکسلبری
Axelsbergstorg 2, Hägersten
تونلانا خط قرمز به سمت نوشوری، ایستگاه آکسلبری

زنده باد شوراها!

ارگانهای اعمال اراده مستقیم توده ای را همه جا برپا کنید! در کارخانه ها و محلات شوراها را برپا کنید! امروز شورا ارگان مبارزه و قیام و فردا ارگان حاکمیت!

جنایت از سر "جنون"، همیشه ممکن است وجود داشته باشد. اما آن نوع جنونی که قربانیانش، از خیابان و خانه تا مدرسه و کارخانه، عمدتاً زنان هستند، دیگر جنون نیست، بلکه بیان جنون آمیز گوشه ای از عقل حاکم بر جامعه است.

منصور حکمت

متحد و متشکل علیه فقر و دستمزد زیر خط فقر به میدان آییم!

تنها تشکل واقعی کارگری، مرجع تعیین دستمزد شایسته زندگی است!

جامعه ابعاد وسیع و متنوع مبارزه علیه تبعیض و فقر و گرانی و بیکاری و شرایط سخت معیشتی و حاکمیت جمهوری اسلامی به میدان آمده است، برای این اساس طبقه کارگر و پیشروان آگاه آن، مبارزات گسترده تر و سد محکمتری در مقابل تعرضات معیشتی و سیاسی جمهوری اسلامی و تصمیمات و ترفندهای شورابعالی کار را در دستور کار قرار میدهند. مبارزه برای افزایش دستمزد همواره بخش مهمی از مبارزه کارگر برای بهبود شرایط زندگی بوده و هست. همواره برای تحمیل دستمزد مناسبتر به سرمایه داران باید قاطعانه و سازمانیافته عمل کرد. اکنون مبارزه علیه "دستمزد" زیر خط فقر و برای گرفتن دستمزدهای معوقه و افزایش دستمزد نه تنها به هم گره خورده، بلکه خود بخش لاینفک مبارزه وسیعتر علیه فقر و گرانی و وضع موجود است. این عرصه های مبارزاتی عملاً بخشی از نبرد و مبارزه همه جانبه ای هستند که از دی ماه ۹۶ با شعارهای کوبنده علیه تبعیض و فقر و از آبانماه ۹۸ با نبردهای تعرضی علیه "گرانی" ابعاد بسیار وسیع اجتماعی به خود گرفته است. در شرایط حساس و تناسب قوای مساعدتر امسال، جنبش کارگری و رهبران رادیکال و آگاه آن، مقابله با دستمزد زیر خط فقر را به مثابه بخشی از مبارزه وسیعتر و موثرتر علیه فقر و گرانی و بیکاری، میخوانند و لازمست به پیش ببرند. برای تامین دستمزد شایسته زندگی انسانی و جوابگوی نیازهای رفاهی خانواده های کارگری و کلیه شهروندان کارکن و مزدبگیر، بازنشستگان، بیکاران، آسیب دیدگان و کلیه شهروندان آماده بکار تلاش جدی در دستور کار بگذارند. برای تحقق چنین پلاتفرمی، ابزار موثر آن یعنی تشکل توده ای کارگری و اتحاد موثر کارگری را سازمان دهند. بدون اتکا به تشکل توده ای و به ویژه مجامع عمومی و شوراها در مراکز و رشته های کارگری، در میان کارگران شاغل و بیکار پیشروی جدی در مبارزه علیه تبعیض و فقر و گرانی و علیه دستمزد زیر خط فقر به سختی و به کندی ممکن است.

حزب کمونیست کارگری ایران - حکمتیست، کارگران را به اعتراض گسترده و سراسری و متحدانه علیه زندگی و دستمزد زیر خط فقر، علیه تبعیض و فقر و گرانی و بیکاری، فرامیخواند. تردیدی نیست جنبش علیه فقر و فلاکت اقتصادی بسرعت مجدداً قد علم میکند و طبقه کارگر در راس و پیشاپیش این جنبش پرچم نفی حاکمیت استبداد و استثمار و تامین آزادی و برابری و رفاه همگانی را در دست دارد. اعتراض و مبارزه علیه "دستمزد" زیر خط فقر و برای افزایش دستمزدها بخش تفکیک ناپذیر چنین مبارزه ای است. برای تامین پیشروی و پیروزی این جنبش، تشکل توده ای مبارزه مان را بنیاد نهیم. مجامع عمومی و شوراهای کارگری را در مراکز و رشته های کارگری بسازیم. رابطه متحدانه و همگامی موثر رهبران و فعالین کارگری بخشهای مختلف جنبش کارگری را تامین کنیم.

مرگ بر جمهوری اسلامی!

آزادی، برابری، حکومت کارگری!

زنده باد جمهوری سوسیالیستی!

حزب کمونیست کارگری ایران - حکمتیست

اسفند ۱۳۹۹ - فوریه ۲۰۲۰

آنچه هر ساله نهاد عمیقاً ضد کارگری "شورابعالی کار" سرمایه داران و جمهوری اسلامی به نام پروسه "تعیین و افزایش دستمزد" برگزار میکند، نه پروسه ای برای افزایش دستمزد، بلکه خیمه شب بازی سبانه برای رسمیت دادن به کاهش واقعی دستمزد و کاهش قدرت خرید کارگران است. هر سال نسبت به سال قبلتر چندرغاز مقرری ناچیز تعیین شده تحت نام گمراه کننده "دستمزد" بیشتر و بیشتر چند بار زیر خط فقر اعلام میشود. در واقع این "افزایش دستمزد" نیست، شعبده بازی "کاهش واقعی دستمزد" است. هر ساله و امسال قاطعتر از هر دوره ای کل این بساط نفرت انگیز از جانب جنبش کارگری و رهبران آگاه آن، لازمست مردود و طرد و رسوا شود. واضح است سرمایه داران و دولتهایشان سطح دستمزد را نه براساس نیازهای یک زندگی انسانی و مرفه برای طبقه ما بلکه بر مبنای سطح معیشتی تعیین خواهند کرد که آنقدر بخوریم که نمیریم، نسل مان منقرض نشود تا بتوانیم باز کار کنیم و کارمان برای سرمایه سود بیافریند و سرمایه بتواند انباشت کند. این قانون تعیین حداقل دستمزد در نظام استثمارگر و ضدکارگری سرمایه داری در سراسر جهان است. اما در نظامهای سرمایه داری استبدادی متکی به کار ارزان، و به ویژه در حاکمیت اسلامی سرمایه اوضاع به مراتب بدتر و شبیه تر به دوران اولیه بردگی انسان کارکن است. جمهوری اسلامی در ۴۱ سال عمر ننگینش، همواره ابتدایی ترین حقوق کارگران را پایمال کرده، از جمله حق تشکل و اعتصاب، ابزارهای مهم مبارزه کارگران برای بیرون کشیدن حقوقشان از حلقوم سرمایه داران را ممنوع کرده، با ترفند ضد انسانی دستمزدهای معوقه تا مرز ۲۴ ماه طبقه کارگر را زیر شدیدترین فشار قرار داده، اهرم لشکر بیکاری میلیونی فاقد بیمه بیکاری را بالای سر کارگر شاغل نگه داشته، با میلیونها کارگر قرارداد موقت و فصلی و سفید امضای بی تامین رها شده روبرو هستیم که حتی تحت پوشش همین نرخ "مقرری" تعیین شده قلابی هم نیستند. معلومست در چنین شرایط و تناسب قوایی آنچه از آستین "شورابعالی کار" هر سال و امسال هم بیرون میزند، حاصلی جز تقلا عمیقاً ضد انسانی برای تحمیل تباهی بیشتر به زندگی خانواده کارگری، با عنوان پرطمطراق "افزایش دستمزد" نیست. هیچگاه نماینده کارگران و تشکلهای کارگری در پروسه جاری به اصطلاح "تعیین دستمزد" نقشی نداشته و همواره علیه تصمیم نفرت انگیز نهاد دولتی، کارفرمایی شورابعالی کار جمهوری اسلامی بوده و در شرایط مساعدتر مبارزاتی امسال تصمیم ضد کارگريشان لازمست بر سرشان کوبیده شود. به علاوه نمایندگان دولت جمهوری اسلامی و کارفرمایان در شورابعالی کار، و کسانی که به نام "نماینده کارگر" عمدتاً از جانب خانه کارگر و شوراهای اسلامی در این بساط شرکت دارند، همگی جنایتکارانی هستند که روز روشن و بعد از دهها به اصطلاح جلسه، بالا و پایین کردن آمارهای جعلی و قلابی "تورم و سبب معیشت" خم به ابرو نیاورده و قیحانه و در کمال خونسردی بر روی زندگی و معیشت طبقه کارگر تیغ میکشند. اینها جانیانی هستند که در فردای پیروزی کارگران و مردم باید تاوان اقدامات جنایتکارانه و ضد کارگريشان را پس بدهند.

مبارزه متحدانه علیه فقر و دستمزدهای برده وار به هم گره خورده است!

امسال و به دنبال تجربه اعتصابات و اعتراضات کارگری وسیع، به دنبال نبردهای درخشان توده ای آبانماه و ۱۶ آذر و دی ماه ۹۸، در شرایطی که

آزادی، برابری، رفاه!

زنده باد روز جهانی زن

در ۸ مارس باید بر خواسته‌های فوری و پایه ای و نفی ارتجاع و آپارتاید و بیحقوقی زن تاکید کرد. در این روز باید سرمایه داری را بعنوان مُسبب تمام مشقات انسان امروز به محاکمه کشید و برای سرنگونی آن فراخوان داد. نظامی که انسانها را با مذهب و ناسیونالیسم و قوم پرستی و جنسیت و "بومی" و "خارجی" و "هویت جنسی" و "اقلیت" و "اکثریت" و غیره قصابی میکند، از این تقسیمات کاذب ذینفع است. کمونیسم علیه این تقسیمات کاذب است. کمونیسم برخلاف سرمایه داری منفعتی در این تقسیمات و هویت‌های کاذب ندارد. برای کمونیسم کارگری، جنبش آزادی زن یک رکن جنبش سوسیالیستی است. اگر برای بورژوازی فرودستی زن یک رکن انباشت سرمایه است، برای کمونیسم کارگری آزادی زن یک رکن اساسی آزادی جامعه است. بشریت کارگری که برای آزادی جامعه برمیخزد، ناچار است بعنوان بشریت آزاد از هرگونه تبعیض و نابرابری برخیزد، و به همین اعتبار، ناگزیر است ریشه های کل تبعیض و نابرابری و زمینه های اقتصادی و اجتماعی آن را درهم بکوبد.

کمک‌های مای دریافتی

تورتو، کانادا

جلیل بهروزی	۱۰۰ دلار
بهار آزادی	۱۰۰ دلار
شجاع ابراهیمی	۲۰۰ دلار
کیانا	۸۰ دلار
ناهید نوین	۵۰ دلار
بیتا آزادی	۵۰ دلار
سمیرا هوشیاران	۵۰ دلار
گیتی	۵۰ دلار
عطا	۳۰ دلار
ونیم ایرانی	۳۰ دلار
رز	۱۵ دلار
جمع:	۷۵۵ دلار

مرگ بر ستمگر، درود بر کارگر!



هشت مارس روز جهانی زن، روز مبارزه علیه نابرابری و تبعیض گرامی باد!

از زندان فرستاده می شوند. هنوز یاسمن آریایی، منیژه عربشاهی و مژگان کشاور که در هشت مارس سال گذشته به جرم دفاع از آزادی و دفاع از حق و حقوق زنان ستمدیده ایران دستگیر شدند، با گرفتن حبس های سنگین در زندانند. هنوز فریاد زنان و مردانی که در آبان ماه از جان خود گذشتند تا جامعه ای عاری از ستم و استثمار و فساد و تبعیض را نوید دهند، از هر سو به گوش می رسد. آدمکشان جمهوری اسلامی با کشتار و دریای خونی که در آبان ماه به راه انداختند، به عموم توده های مردم، بویژه زنان مبارز و ستمدیده ایران نشان دادند که رهایی زن و رهایی کل جامعه از ستم و تبعیض و استثمار در گرو برپایی یک انقلاب اجتماعی سوسیالیستی است. انقلابی برخاسته از اراده طبقه کارگر، جنبش های ضد تبعیض و نابرابری که برای سرنگونی انقلابی جمهوری اسلامی و استقرار حکومت کارگری و شورایی مبارزه می کنند.

زنان آگاه، مردم مبارز و توده های زحمتکش ایران!

امسال، بر بستر چنین شرایطی از جوش و خروش انقلابی به استقبال ۸ مارس، روز جهانی زن می رویم. با امید به اینکه در پرتو مبارزات موجود، ۸ مارس دیگر گونه ای داشته باشیم، جا دارد به همه زنان و مردانی که طی سال های متمادی برای رهایی زن از آوار ستم و تبعیض و نابرابری مبارزه کرده و می کنند، درود فرستاد. درود و افتخار بر زنان سوسیالیست جهان باد که از یک قرن پیش پرچم مبارزه ای جهانی را برای برابری و رهایی زنان به اهتزاز درآوردند. درود و افتخار بر زنان مبارز و سوسیالیستی باد که روز ۸ مارس را به پاس مبارزات قهرمانانه زنان کارگر و سوسیالیست آمریکایی به عنوان روز جهانی زن اعلام کردند. زنان کارگری که برای برابری دستمزد و حق رای بپا خاستند و از آن زمان به نماد و سمبل برای مبارزه زنان علیه هرگونه تبعیض و نابرابری مبدل شدند. و باز درود و صد افتخار به زنان آگاه و مبارز و تحت ستم ایران باد که در حاکمیت جمهوری اسلامی به رغم سرکوب و ستم بی رحمانه ای که بر آنان اعمال شده، همواره پیگیر و استوار به مبارزات قهرمانانه خود علیه رژیم ارتجاعی، زن ستیز و سرمایه داری حاکم بر ایران ادامه داده اند.

فراخوان ما این است که در روز جهانی زن علیه جمهوری اسلامی و نیروهای ارتجاعی ضد زن با ابتکارات مختلف صدای اعتراض مان را بلندتر کنیم و شیپور پایان حکومت آپارتاید ضد زن را بصدا در آوریم.

۸ مارس، روز جهانی زن خجسته باد!

سرنگون باد رژیم سرمایه داری جمهوری اسلامی!

زنده باد آزادی، زنده باد سوسیالیسم!

۶ اسفند ۱۳۹۸ - ۲۵ فوریه ۲۰۲۰

امضاها: اتحاد فدائیان کمونیست، حزب کمونیست ایران، حزب کمونیست کارگری - حکمتیست، سازمان راه کارگر، سازمان فدائیان (اقلیت)، هسته اقلیت.

در آستانه ۸ مارس (۱۷ اسفند) روز جهانی زن قرار داریم. روزی که نماد مبارزه بین المللی زنان علیه تبعیض، نابرابری، سرکوب و ستم جنسیتی در سراسر جهان است. این روز، برای زنان آگاه و تحت ستم ایران همواره الهام بخش مبارزه ای خستگی ناپذیر علیه طبقه حاکم ضد زن و نظام سیاسی حافظ آن بوده است. زنان ایران طی بیش از چهار دهه با حکومتی مواجه بوده اند که به بی رحمانه ترین شکل ممکن سرکوب، ستم، نابرابری و تبعیض جنسیتی را بر آنان اعمال کرده است. جمهوری اسلامی به عنوان یک دولت سرمایه داری دینی که مظهر تام و تمام عقب ماندگی و خرافات قرون وسطایی است، از همان نخستین روزهای قدرت گیری، قهر و سرکوب علیه زنان را در دستور کار خود قرار داد. هیئت حاکمه ایران در اعمال ستمگری و آپارتاید جنسیتی علیه زنان ایران تا بدان جا پیش رفت که آشکارا هر گونه برابری حقوق اجتماعی و سیاسی آنان را نفی و انکار کرده است. اعمال سرکوب و تبعیضی این چنین ویرانگر علیه زنان، ناشی از نگرش عمیقاً ارتجاعی و ضد زن اسلام و مذهب بطور کلی و جنبش اسلامی بطور اخص است.

روشن است که خواست و آرزوی واقعی جمهوری اسلامی نیز از همان آغاز این بود که جایگاه زنان ایران را همانند تاریخ اسلام و جنبش اسلامی به موقعیت زنان در دوران برده داری و قرون وسطایی تنزل دهند. اما این آرزوی آنان در پرتو مبارزات پیگیر و خستگی ناپذیر زنان مبارز علیه نابرابری و تبعیض و سرکوب و ستم، هرگز متحقق نشد. نه تنها آرزوی ارتجاع اسلامی حاکم بر ایران در خانه نشین کردن زنان متحقق نشد، بلکه مبارزات مستمر و قهرمانانه چهل ساله زنان علیه سیاست های ضد زن و آپارتاید جمهوری اسلامی سبب شده است تا آنان نقش و حضوری پر رنگ در متن مبارزات کنونی توده های مردم ایران داشته باشند، که آخرین نمونه برجسته آن نقش فعال و رهبری زنان آزادیخواه در خیزش اخیر در آبان ماه بود.

زنان آگاه، مردم مبارز، توده های ستمدیده ایران!

امسال در شرایطی به پیشواز ۸ مارس می رویم که شرایط جامعه به کلی با سال های گذشته متفاوت است. در پی قیام آبان ماه و پیامد و نتایج آن، هم اینک جامعه ما در تب و تاب شکل گیری انقلابی فراگیر در غلیان است. جمهوری اسلامی اکنون ورشکسته تر از هر زمان دیگری تنها با اتکا به سرکوب و سرنیزه و کشتار، در مقابل زنان، کارگران، معلمان، دانشجویان و عموم توده های مردم ایران ایستاده است. در ماه های گذشته زنان و مردان بسیاری به دست آدمکشان جمهوری اسلامی قتل عام شدند. هنوز مادران و پدران بسیاری با چشمانی اشکبار نظاره گر پیکر خونین و شکنجه شده فرزندان خود در آب های به خون نشسته نیزار جراحی هستند. هنوز سنگینی قتل عام بیرحمانه ۱۵۰۰ نفر از جوانان در آبان ۹۸ و کشته شدن ۱۷۶ نفر از سرنشینان هواپیمای سرنگون شده اوکراینی بر جسم و جان توده های مردم ایران آوار است. هنوز از هزاران دستگیر شده آبان ماه اطلاعات دقیقی در دست نیست و گاه و بیگاه جنازه های دستگیر شدگان به بیرون

اطلاعیه مشترک نیروهای چپ و کمونیست

در مورد "نه" بزرگ مردم به نمایش انتخاباتی رژیم اسلامی ایران

نمایش های انتخاباتی ندارند و بجای آن مطالبات و خواسته های خود را با مبارزاتشان در خیابان و در محل های کار و زیست شان پیش می برند. چنانکه در دی ماه ۹۶ و آبان خونین و دی ماه سرخ ۹۸ با عزمی انقلابی، این رویکرد را نشان داده اند.

شکست مضحکه انتخاباتی رژیم بدون تردید یک پیروزی بزرگ برای جنبش های آزادیخواهانه در ایران است و جنبش سرنگونی انقلابی رژیم جمهوری اسلامی را در موقعیت بهتری قرار داده است. و بیت رهبری و نیروهای سرکوبگر را به صرافت بیشتری برای "محکم کردن کمر بند" هایشان قرار خواهد داد.

برای مقابله با تلاش های مذبحخانه و ضدانقلابی رژیم، جبهه مبارزه و انقلاب در ادامه این رفراندوم باشکوه "بایکوت"، باید بتواند با فراگیر کردن و سراسری کردن اعتصابات کارگری و اعتراض و مبارزه توده ای، دستگاه سیاسی، اقتصادی و نظامی حاکم را فلج کنند و از این رهگذر پیروز هایش را گام بگام تثبیت نمایند.

سرنگون باد رژیم سرمایه داری جمهوری اسلامی
زنده باد آزادی، زنده باد سوسیالیسم

۳ اسفند ۱۳۹۸ - ۲۲ فوریه ۲۰۲۰

امضاها: اتحاد فدائیان کمونیست، حزب کمونیست ایران، حزب کمونیست کارگری - حکمتیست، سازمان راه کارگر، سازمان فدائیان (اقلیت) و هسته اقلیت.

نمایش انتخاباتی یازدهمین دوره مجلس رژیم اسلامی در روز جمعه دوم اسفند همانگونه که انتظار میرفت، با شکست منفذحانه رژیم به پایان رسید. این نمایش علی رغم تمدید چند باره مدت زمان برگزاری "انتخابات" و تلاش های مذبحخانه ارگانهای تبلیغی رژیم، علی رغم عوامفریبی ها و التماس خامنه ای و دیگر سران رژیم، کمتر از یک چهارم واجدین شرایط رای دهنده در این نمایش مسخره رژیم شرکت کرده و بار دیگر با صدائی رساتر از همیشه، "نه" قاطع خود را به جمهوری اسلامی، اعلام نمودند.

"نه" بیش از چهار میلیون نفر از واجدین شرایط، ضمن اینکه پاسخ دندان شکنی به این نمایش انتخاباتی رژیم بود در عین حال رفراندومی وسیع و با شکوه مردمی علیه رژیمی بود که با کشتار و جنایات خود را سر پا نگه داشته است. این "نه" بزرگ بار دیگر نشان داد که مردم در ادامه خیزش های انقلابی شان مصمم هستند که این رژیم را با همه ارکان و اجزایش به زیر بکشند.

شکست این مضحکه انتخاباتی در عین حال بار دیگر نشان داد که اکثریت قاطع توده های محروم و تهیدست جامعه، نه تنها امیدی به بهتر شدن زندگی شان از طریق صندوق آرا رژیم ندارند، بلکه با این رویگردانی عمومی به سوی شرایط و اوضاعی می روند که همه این صندوق های آغشته به خون فرزندان شان را بر سر جانین حکومتی خراب کنند.

توده های میلیونی کارگران، زنان و جوانان جویای زندگی و امید به آینده، بار دیگر نشان دادند که مدتها است هیچگونه اعتمادی به این نوع

سمینار مشترک

اوضاع سیاسی ایران و نقش و وظایف نیروهای چپ و کمونیست

شنبه ۲۹ فوریه ۲۰۲۰ از

ساعت ۱۶ الی ۲۲

کلن آلمان

Altefeuerwache

Melchiorstraße 3, 50670 Köln

سخنرانان سمینار

یدی شیشوانی: اتحاد فدائیان کمونیست

محمود قهرمانی: حزب کمونیست ایران

همایون گدارگر: حزب کمونیست کارگری - حکمتیست

خسرو آهنگر: سازمان راه کارگر

حسن بهزاد: سازمان فدائیان اقلیت

سعید سهرابی: هسته اقلیت

بعد از صحبت سخنرانها، زمان سمینار به اظهار نظر و گفت و شنود حاضرین اختصاص داده می شود.

ما همه انسان های آزادیخواه و فعالین سیاسی چپ و کمونیست را به این سمینار دعوت می کنیم.

پیام به مردم آزادیخواه ایران

پیروزی دوم اسفند را تبریک میگوئیم! امروز رژیم ضعیف تر و ما قوی تریم!

حزب کمونیست کارگری ایران - حکمتیست به شما مردم آزادیخواه و انقلابی ایران خسته نباشید میگوید، دست تان را به گرمی میفشارد و به عزم جزمندان و به اتحاد و پایداریتان درود میفرستد. ما در این مبارزه در کنار شما و همراه شما بودیم و خود را در این پیروزی شیرین و نواختن سیلی محکم به صورت رژیم خامنه ای ها شریک میدانیم. ما خود را در شادی و جشنهای امشب شما برای این پیروزی شریک میدانیم و همراه شما یاد عزیزان جانبازان را گرمی میداریم.

دوم اسفند در تاریخ مبارزه ایندوره ثبت شد و بار دیگر اعلام کرد که براسستی دیگر تموم است ماجرا. امروز کل صف ارتجاع و لایه های مختلف آن در مقابل عزم و اراده و اتحاد ما بر خود میلرزند. امشب در تاریخخانه های اسلامی بیش از هر زمان شبح تحرک انقلابی برای سرنگونی حاکمیت کثیف اسلام و سرمایه به پرواز درآمد و شادی و امید به جمع های ما. هزاران درود بر شما! دستتان درد نکند و خسته نباشید!

وقت آنست که این پیروزی را به نیروئی فشرده در خدمت اتحاد بیشتر و ایجاد تشکل و ابزارهای مبارزه برای درهم کوبیدن بنیادهای این نظام پوسیده و ارتجاعی بدل کنیم. وقت آنست بیش از هر زمان به قدرت جمعی و نیروی اتحادمان باور کنیم و برای تحقق اهداف و آرمانهای انقلابی و مشترک راهمان را ادامه دهیم.

حزب کمونیست کارگری- حکمتیست در این مبارزه پرشور همسنگر شما و حزب مبارزه انقلابی و کمونیستی شماست!

حزب کمونیست کارگری ایران- حکمتیست

۲ اسفند ۱۳۹۸ - ۲۱ فوریه ۲۰۲۰

امروز در دوم اسفند ۱۳۹۸، شما مردم آزادیخواه یک شکست مفتضحانه به رژیم اسلامی تحمیل کردید. امروز شما علیرغم تمام تمهیدات حکومتی یک تودهنی محکم به محکمی خیزش آبانماه به خامنه ای و رژیم جنایتکار خامنه ای ها زدید. امروز شما از حرمت جانبازگان آبانماه دفاع کردید و به احترام خانواده های داغدیده در صفی واحد علیه حکومت اسلامی و نمایش مضحک انتخابات مجلس اسلامی قاطعانه ایستادید. امروز حاصل کار هفته گذشته یعنی برهم زدن مناسک های انتخاباتی، اعلام صریح مخالفت با کاندیداها و استیضاح آنها، شعارنویسی وسیع و گسترده در سراسر ایران، آژیتاسیون عنی در دانشگاه و خیابان و مراکز تبلیغات انتخاباتی، به آتش کشیدن و پاره کردن بنرها و بیلبوردها و پوسترهای انتخاباتی را، با خالی گذاشتن حوزه های باصلاح رای گیری به فرجام رساندید. صدها فیلم و گزارش زنده و مستند از چهارگوشه ایران، این شکست مسلم حکومت اسلامی را به هر ناباوری فهماند و هیچ راه فراری برای حکومت باقی نگذاشت.

جنبش انقلابی و آزادیخواهانه برای سرنگونی جمهوری اسلامی از این آزمایش سربلند بیرون آمد و رژیم جنایتکار اسلامی ضعیف تر و متشت تر و نامشروع تر. بار دیگر ثابت شد که سیاست و عمل رادیکال به واقعیات سیاسی ایران و جدال جاری بسیار مربوط تر از هر زمانی است. از فردا سوم اسفند جنبش انقلابی برای سرنگونی جمهوری اسلامی در موقعیت بهتری قرار دارد و حکومت ارتجاع اسلامی در شرایط وخیم تری. ما قوی تریم و آنها ضعیف تر. از فردا سوم اسفند جامعه مجدداً روی ریل اصلی اش قرار دارد، روی ریل مبارزه برای آزادی و برابری و رفاه، روی ریل مبارزه برای نفی اختناق و ارتجاع و حاکمیت سرمایه، روی ریل تداوم جنبش آبانماه و تلاش برای سازماندهی و تشکل و رفع موانع مبارزه پیروزی بر جمهوری اسلامی.

به حزب کمک مالی کنید!

حزب کمونیست کارگری- حکمتیست به کمک های مالی شما نیازمند است. لطفاً کمک های مالی خود را از طریق این شماره حساب برای حزب بفرستید:

Norway

Account number: 0532 1432 400

Account holder: IKIR

IBAN: NO57 0532 1432 400

BIC: DNBANOKKXXX

Bank: DNB

نشریه حزب کمونیست کارگری ایران - حکمتیست

مفصلی
کمونیست

سردبیر: سیاوش دانشور

Siavash_d@yahoo.com

اگر برای کمونیست مقاله میفرستید:

سردبیر در انتشار و رد و تلخیص مقالات آزاد است. نشریه کمونیست تنها مقالاتی را منتشر میکند که برای این نشریه تهیه شدند. مطالب باید حداکثر تا ظهر پنجشنبه دریافت شده باشند.

زنده باد سوسیالیسم!